

روان شناسی امروز و نیازهای جامعه

دکتر رضا پور حسین

دانشیار دانشگاه تهران

تحولات اجتماعی جوامع امروز، از جمله جامعه ایرانی در سایه شتاب فناوری و گسترش پرسرعت ارتباطات و ظهور دنیای مجازی در کناردنیای واقعی؛ به سمتی می رود که بهره گیری از دانش روان شناسی را بیش از پیش، اجتناب ناپذیر می سازد. اگر زمانی بر جوامع گذشت که روان شناسان برای معرفی و اثبات خود و مهم جلوه دادن حرفه خویش، از این همایش به آن همایش و از این نهاد تصمیم ساز به نهاد دیگر در رفت و آمد بودند؛ در دنیای امروز، خودبخود، جوامع به بهداشت روان و نتیجتاً علم روان شناسی روی آورده و آرامش ازدست رفته خود را در راه های درمانگرانه و اصول این دانش جستجو می کند. گرچه این رویکرد، به میزان زیادی به پاس زحمات روان شناسان بزرگ اتفاق افتاده است؛ اما سبک زندگی امروز دنیا که آرامش و معنویت، گمشده آن است، لاجرم جوامع را به سوی بهره گیری از دانش روان شناسی سوق داده است.

سوال این است که آیا روان شناسی امروز می تواند به این اقبال و اعتماد عمومی پاسخ شایسته ای بدهد و برای برطرف کردن رنج ناشی از سبک زندگی بدون خدا، نسخه های عملیاتی و موثری ارائه نماید؟ و سوال دیگر آن است که آیا روان شناسی امروز ایران نیز می تواند نیازهای اساسی جامعه ما را در زمینه های مختلف زندگی فردی و اجتماعی پاسخ دهد؟

نمی خواهیم بدون واریسی دقیق، به این سوال پاسخی قاطع بدهیم؛ اما این نکته را می توان اذعان نمود که گستره روان شناسی امروز در ایران، پاسخگوی نیازهای جامعه ایرانی نیست. دربرخی شاخه های روان شناسی، به مدد گسترش تحصیلات تکمیلی و ساماندهی پژوهش های گسترده، رشد قابل توجهی کرده ایم؛ اما در بسیاری دیگر از شاخه های این دانش از جمله روان شناسی اجتماعی، روان شناسی ارتباطات، نوروسایکولوژی، روان شناسی شناختی، روان شناسی آموزش و پرورش، روان شناسی سیاسی، روان شناسی مدیریت، روان شناسی تبلیغات و روان شناسی خانواده، رشد اندکی داشته ایم؛ به گونه ای که نمی توان از مقالات داخلی و پژوهش های بومی، به یک فراتحلیل و نظریه مدون دست یافت.

این عدم رشد، به میزان زیادی تحت تاثیر فرهنگ ترجمه و نادیده گرفتن نیازهای بومی و گاهی رعب فرهنگی و علمی، و همچنین اعتقاد به مرجعیت علمی خارج از مرزهای جغرافیایی اتفاق افتاده است. اگر بخواهیم خود را به روز کنیم و نیازهای جامعه امروز را که به ما اقبال خوبی نشان داده است، برآورده سازیم؛ باید در شاخه های عمومی، بالینی و سلامت _ به معنای دستیاری پزشکی آن _ منجمد نشویم و برای توسعه شاخه های دیگر روان شناسی، بویژه روان شناسی اجتماعی با تاسیس رشته های مربوط در مقاطع تحصیلات تکمیلی همت کنیم.

این روند، بتدریج ما را با رشد متوازن همه شاخه های روان شناسی درجهان علم، همراه خواهد ساخت.